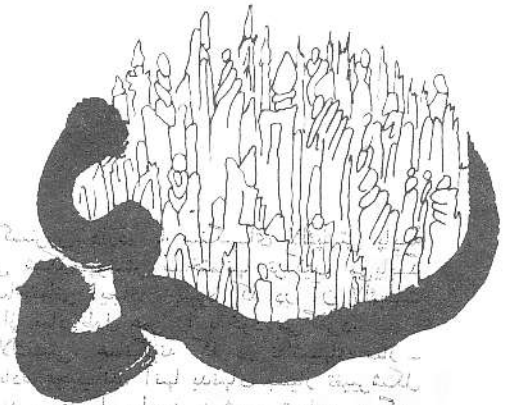


نقاشان گمنام و اعتقادات عامه

نقاشان گمنام، نقاشی‌های خود را در مکان‌های عمومی و در کنار بناها و بناهای مذهبی و دولتی می‌نقاشید. این نقاشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم عادی بتوانند آن را ببینند و از آن لذت ببرند. این نقاشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم عادی بتوانند آن را ببینند و از آن لذت ببرند.



او سنت عامیانه حسن تحقیر او را برمی‌انگیزد. جنبه انتفاعی اثر، گذشته از ناشناخته بودن آن، عقیده وی را موجه می‌ساخت. دانشجویان امروزی عادت دارند که ارزش یک اثر را بامیزان ارزش و اعتبار هنرمندی که آن را امضاء نموده است، بسنجند و از قوانین نقاشی آکادمیک که در شرق مورد رعایت قرار می‌گیرند بی‌خبرند. از اینجاست که نقاشی عامیانه در تاریخ هنر، اگرچه همیشه در شرق مورد رعایت قرار می‌گیرد، هنوز هم به عنوان یک فن شناخته می‌شود. در واقع مفهوم هنرمندی هنوز هم به معنی یک کشف‌شده است، حتی بیکاره‌هایی از انواع گوناگون که در زمانهای نسبتاً اخیر نقاشی شده‌اند و می‌توان آنها را نقاشیهای عالمانه یا هنرهای زیبا می‌نامید. در خانه‌ها و بالای محراب اویزان در مورد یک دانشمند خواه اکتفویینوس می‌شوند. به عنوان نمونه و الگو برای نسلهای جوان بکار می‌روند. این نقاشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم عادی بتوانند آن را ببینند و از آن لذت ببرند.

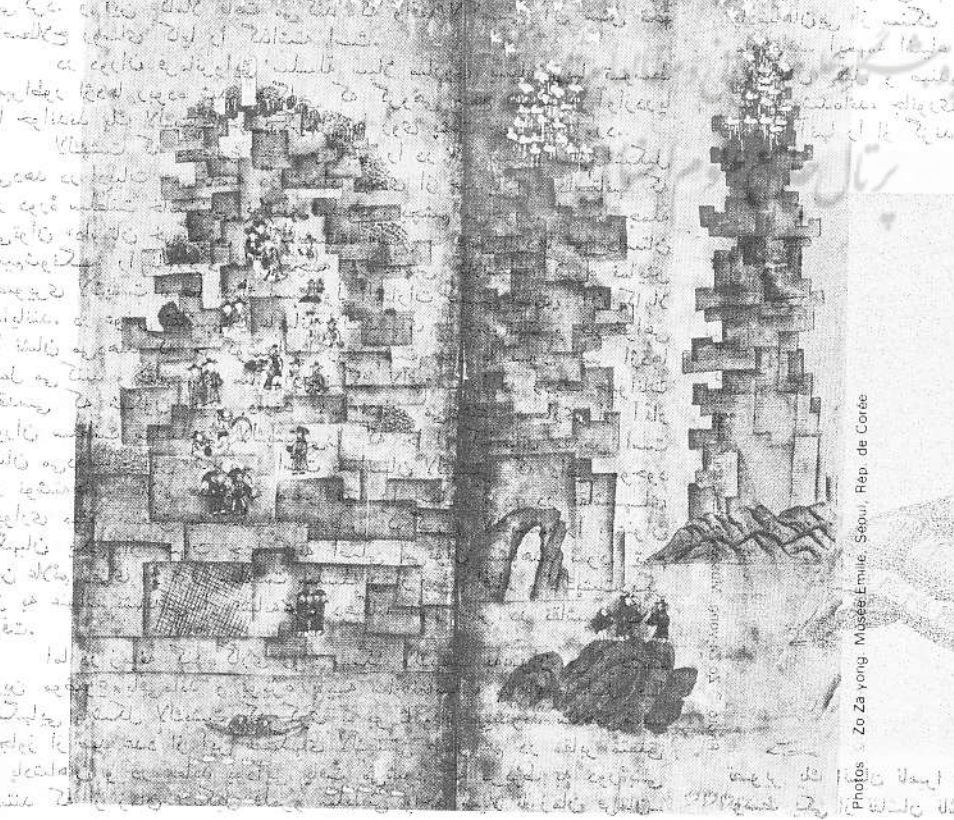
می‌شدند و اما نقاشی از چنین اعتباری برخوردار نبود. در دیده دانشمندان کره نقاشی جز یک وسیله وقت‌گذرانی ممتاز چیز دیگری شمرده نمی‌شد و آنها برای نقاشان حرفه‌یی وابسته به توپوآسو (اداره هنرها) که از میان شونگویی یعنی صنعتگران استخدام می‌شدند احترام چندانی زیادی قائل نبودند. معمولاً نقاشی کره به نقاشی محض و نقاشی انتفاعی تقسیم می‌شد. اگر چه اکنون نقاشی محض بیشتر از نقاشی کاملاً انتفاعی وجود ندارد ولی این طبقه‌بندی اصولی هنوز حاکم بر انتخاب هنرمندان، مورخان تاریخی، دوستداران هنر نقاشی و سوداگران آثار هنری است. به نظر آنها جنبه انتفاعی را از سایر جنبه‌ها مهم‌تر می‌دانند. این نقاشیها در خانه‌ها و بالای محراب اویزان در مورد یک دانشمند خواه اکتفویینوس می‌شوند. به عنوان نمونه و الگو برای نسلهای جوان بکار می‌روند. این نقاشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم عادی بتوانند آن را ببینند و از آن لذت ببرند.

شلسله جبال الماس در نزدیکی مناطق ساحلی و در سمت شرق شمال سی و هشتمین مئادزشته کوه مقدسی را تشکیل می‌دهد. دوازده هزار قله صخره‌یی آن شب وجود آمدن عجیبی را در نقاشی کورما گردیده است. این یک خط تصویری چینی است که یک ساختار عامیانه را که شیبه جمعی از حکما است دربر دارد (تصویر سنت راست). در سمت چپ روی گوشه‌یی از یک پرده متعلق به قرن هجدهم میلادی که متجاوز از ده‌متر طول دارد صخره‌ها مانند گروهی از مردم در حال حرکت که در آن کیشان در حال تپیدن دختران رقص، کودکان و هزاران مرد وزن درهم آمیخته‌اند، به هم فشرده شده‌اند. تصویر پایین یک کوهی بود که کنار دریا نشان می‌دهد که به صورت یک شهر جاذب نقاشی شده است. این نقاشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم عادی بتوانند آن را ببینند و از آن لذت ببرند.

از ده سال پیش نگاهی تازه به نقاشی عامیانه کره، موجب ارزیابی مجدد آن گردید. این آثار که به علت آموزش رسمی هنرهای زیبا مدت‌های متعددی در کنار باقی ماند و بسا خاطرات خانوادگی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، مدفون گشته بودند، نظر مورخان هنری را که حتی به آمارگیری آنها هم نپرداخته بودند، چندان به خود جلب نمی‌کرد. هنگامی که مورخان اندک اندک به این نقاشیها علاقه‌مندی پیدا کردند آنها را به ناشایستی در ردیف «نقاشی فولکلوریک» قرار دادند و این خود یک طبقه‌بندی مسخه است. در واقع این آثار که بیش از همه آثار ناشناخته‌یی هستند از آنجا که توسط هنرمندان روستایی و درباری نقاشی شده‌اند نقاشی عامیانه شمرده می‌شوند ولی چون در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند از اینرو «آثار انتفاعی» محسوب می‌آیند. بررسی موقعیت هنرمندان در جامعه کره امکان می‌دهد تا بتوان مسئله را بهتر مطرح ساخت.

نوشته ژوزا پیونگ

از ده سال پیش نگاهی تازه به نقاشی عامیانه کره، موجب ارزیابی مجدد آن گردید. این آثار که به علت آموزش رسمی هنرهای زیبا مدت‌های متعددی در کنار باقی ماند و بسا خاطرات خانوادگی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، مدفون گشته بودند، نظر مورخان هنری را که حتی به آمارگیری آنها هم نپرداخته بودند، چندان به خود جلب نمی‌کرد. هنگامی که مورخان اندک اندک به این نقاشیها علاقه‌مندی پیدا کردند آنها را به ناشایستی در ردیف «نقاشی فولکلوریک» قرار دادند و این خود یک طبقه‌بندی مسخه است. در واقع این آثار که بیش از همه آثار ناشناخته‌یی هستند از آنجا که توسط هنرمندان روستایی و درباری نقاشی شده‌اند نقاشی عامیانه شمرده می‌شوند ولی چون در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند از اینرو «آثار انتفاعی» محسوب می‌آیند. بررسی موقعیت هنرمندان در جامعه کره امکان می‌دهد تا بتوان مسئله را بهتر مطرح ساخت.



در کره نقاشی همیشه با تعالیم کنفوسیوس پیوند استواری داشته است. یک طرفدار واقعی کنفوسیوس می‌بایست در سه رشته شعر و خطاطی و نقاشی مهارت‌نواشته باشد. شعر و خطاطی دو هنر بسیار ارزشمند و بالایی تلقی می‌شود و همیشه به عنوان یک هنر محسوب می‌شده است. این نقاشی‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شود که مردم عادی بتوانند آن را ببینند و از آن لذت ببرند.

اگر خطاطی و نقاشی عالمانه که برای سرگرم کردن طبقه مذهب بوجود آمده‌اند و جزئی از هنر اشرافی را تشکیل می‌دهند کنار گذاشته شوند در اینصورت قسمت بیشتر تاریخ هنر کره به صورت تاریخ هنرهای گوناگون انتقادی درمی‌آید. پس آیا نمی‌توان گفت که در اینجا باز به طریقی صحبت از هنر عامیانه در میان است؟ در گذشته دانشمندان نقاشی عامیانه را تماماً به علت جنبه انتقادی آن و حتی برخی از نقاشیهای عالمانه را به علت جنبه عامیانه آنها خوار می‌شمردند. عجیب اینکه دانشمندان سابق کره‌یی با وجود این تحقیرشان نسبت به متخصصان جدید هنر عامیانه که از آن دید مثبت‌تری دارند درباره نقاشی عامیانه دارای تصور وسیع‌تر بودند.

مفهوم نقاشی عامیانه در سنت کره‌یی در واقع چه چیزهایی را در برمی‌گرفت؟ این مفهوم آثاری را در برمی‌گرفت که به مناسبت اعیاد سنتی مانند سال جدید، نخستین روز بهار یا پنجمین روز از پنجمین ماه سال یا اینکه به مناسبت برپایی جشنها و مراسم سالانه مربوط به بودا بوجود می‌آمدند. اسناد و مدارک قدیمی نشان می‌دهند که بیشتر این نقاشیها شامل موضوعات عامیانه‌یی بود که در آن نمادهای طول عمر و خوشبختی یا تصاویر حمایت‌کننده از انسان در مقابل بدی بچشم می‌خورد.

برخی از این نقاشیهای عامیانه کار هنرمندان درباری بود. این نقاشیها در درجه اول در اداره نقاشی دربار سلطنتی به معرض تماشا گذاشته می‌شد و صنعتگران روستایی در آن زمان برای استنساخ آنها بدانجا هجوم می‌بردند. نقاشان روستایی و درباری متفقا موضوعات یکسانی را که سرچشمه سعادت محسوب می‌شدند بکار می‌بردند. همه مردم از جمله شاهان و ملکه‌ها در ایجاد این نقاشیهای عامیانه شرکت می‌نمودند. به بیان دیگر کلمه عامیانه نه به یک گروه اجتماعی خاص بلکه به یک چیز غریزی و فطری در هر فردی اطلاق می‌شد. صنعتگران سیار و نیز نقاشان درباری همگی در این هنر عامیانه شرکت می‌جستند.

نقاشان سیار یا به اصطلاح توده مردم «مهمانان رهگذر» برای نقاشی کردن در خانه افراد از روستایی به روستای دیگر می‌رفتند. بسیاری از آنان نقاشان ناشی و کم تجربه‌یی

بودند ولی برخی از آنان هنرمندان ماهر و کار-آموده‌یی بشمار می‌رفتند که نتوانسته بودند به صورت نقاشان درباری درآیند. کشیشان نقاشی گروه دیگری از هنرمندان را تشکیل می‌دادند. عده‌یی از جوانان با استعداد در صومعه‌ها تحت نظارت دقیق یک استاد به آموزش شیوه‌های نقاشی می‌پرداختند تا به صورت هنرمندان حرفه‌یی درآیند و در عبادتگاهها برای نقاشی تابلوهای مربوط به مراسم بودایی کار کنند. ولی کسانی که نمی‌توانستند این انضباط سخت تحمیلی را تاب آورند غالباً نقاشان سیار می‌شدند و با نقاشی کردن روی دیوارهای معابد و کلیساهای کوچک روستایی امرار معاش می‌نمودند.

گروه سوم گروه نقاشان درباری بود. از نظر اجتماعی یک نقاشی درباری می‌توانست به عالی‌ترین مقام که در کره یک هنرمند ممکن بود ادعای نیل بدان را داشته باشد دست یابد. این نقاشان تنها تابلوهای به سبک آکادمیک نقاشی نمی‌نمودند بلکه به تزیین قصرها هم می‌پرداختند یا اینکه روی طرحهای تزیینی کار می‌کردند. بنابراین نقاشیهای عامیانه هم در دربارهای شاهزادگان جای می‌گرفتند و در عین حال در معابد بودایی، کلیساهای کوچک مربوط به کشیشان و کاهنان جادوگر، میخانه‌ها، محرابها و در منازل بکار برده می‌شد بجز برخی موضوعات که به دربار و معابد و محرابها اختصاص داشتند

تصاویر بیشماری را مردم معمولی برای غنا بخشیدن به زندگی روزمره خود بکار می‌بردند. برخی از آثار هنری همیشه در خانه‌های مردم کره جای داشتند و برخی دیگر تنها در طول فصول معین یا در مواقع جشن و شادمانی به معرض تماشا گذاشته می‌شدند. برخی از موضوعات نقاشی برای همه‌جای خانه مناسب بودند و حال آنکه آثار دیگر به جای خاصی اختصاص داشتند که تنها همان جا می‌توانست بدانها قدرت بخشد. مثلاً یک ببر می‌بایست روی در ورودی جای بگیرد تا شر و بلا نتواند از آن عبور کند ولی برای قرار گرفتن بر بالای در زیر زمین تنها سنگ مناسب بود. برای دیوارهای اتاق خواب نقش گل و پرند و یا کودک ترجیح داده می‌شد.

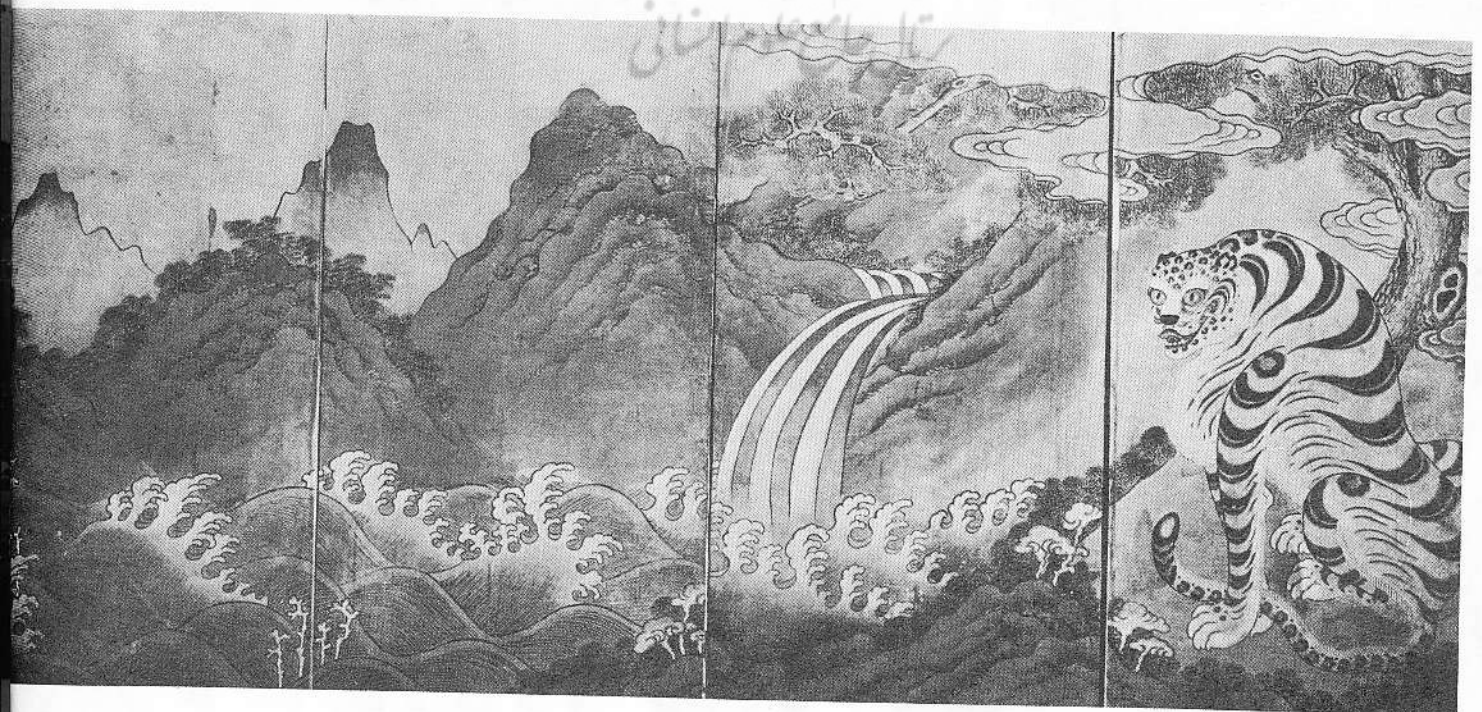
برای مردم کره هنری که فاقد مفهوم نمادی است هیچگونه ارزشی ندارد. نمادهای نقاشی عامیانه کره با مفاهیم آیین کنفوسیوس،

آیین تائو، آیین بودایی و آیین کاهنان جادوگر (شامانها) ارتباط دارند. و این طبقه بندی در صورتیکه موضوع مذهبی آشکارا تشخیص داده شده باشد ارزنده و معتبر است. آثاری که توصیفگر زندگی بودا هستند به نقاشی بودایی، آثاری که نمایشگر انسانهای فناپذیر تائوئیستی هستند به نقاشی تائوئیستی و آنهایی که تصویر کننده تعلیم کنفوسیوس هستند به نقاشی کنفوسیوسی تعلق دارند و حال آنکه روح کره در نقاشی کاهنان جادوگر نشان داده شده است.

ولی موضوعات مذهبی به طرز چنان پیچیده‌یی درهم آمیخته‌اند که تقریباً محال است بتوان تشخیص داد که هر یک از آنها به کدام مذهب خاص تعلق دارند و احساس اینکه در کره آیین بودایی تائوئیستی، شامانیسم بودایی و شامانیسم تائوئیستی وجود دارد نقاشی از آن است. چنین به نظر می‌رسد که یک مخرج مشترک این جریاناتهای فکری را محکم به هم پیوند داده است. و این مخرج مشترک عبارت از میل غریزی آشنایی با یک زندگی دراز مدت و سعادت‌تمندانه، و مصون‌نگه داشتن خود از گزند ارواح خبیثه است. از اینروست که نقاشی کره با توصیف مفاهیمی که در همه انواع معتقدات مشترکند یک زبان عمومی تغییر می‌کند.

اگر این نقاشی به تغییر شکل واقعیت و ساده‌سازی موضوع چنان گرایشی دارد که گاه با هنرا تفرای پهلوی می‌زند، بیان کننده رؤیاهای تخیلات و عشق انسانی و در عین حال طنزآمیز و انتقادگر هم هست و نوعی نمادگرایی را به واقع‌گرایی ترجیح می‌دهد. برخلاف شیوه نقاشی شتاب‌آلود کلاسیک در این نقاشی هنرمند به آهستگی و آرامی طرح‌ها را می‌کشد. از مشخصات دیگر آن پر کردن فضای خالی است که در نقاشی کلاسیک شرقی بسیار مهم‌شمرده می‌شود. جنبه دیگر این نقاشی نشان دادن علائم حیات موجود در اجسام طبیعی و به طور کلی در طبیعت است که در واقع منعکس کننده عقیده کاهنان جادوگر (شامانها) است. همه چیز در این نقاشی اعم از حیوان و صخره و درخت بیان کننده علائم زندگی است. ترکیبی از این جان‌گرائی با تجرد، گاه سبب بوجود آمدن دید تازه و ساده لوحانه‌یی از دنیا شده است. دنیایی راستین و «معصوم» که در آن قلب یک انسان نسبت به نام وی اهمیت بیشتری دارد.

زوژا - یوتک



کوه در کره به خاطر زیبایی اش شهرت دارد. سنت کره ای با وقوف به جنبه افسونگرانه کوه در آن روحی را کشف کرده است. نقاشان کره آن را به طور فراوان به شکل یک پیرمرد دوست داشتنی که با مهربانی بر روی دوست بزرگ خود بر سفید تکیه داده است نقاشی کرده اند. نمونه آن این پرده نقاشی است (تصویر سمت چپ) که به قرن هجدهم میلادی تعلق دارد.

Photo © Zo Za-yong, Musée Emille, Séoul, Rép. de Corée



از زمانهای بسیار قدیم آبشار یکی از موضوعات بسیار مورد علاقه نقاشان شرق بوده است آب مانند روح و باد به همه جا نفوذ می کند. لائو - تسو می گوید که آب ضعیف تر و نرم تر از همه چیز است و با اینهمه بر نیرومندترین و مقاوم ترین چیزها غالب می آید. طبق برخی از متون بودایی قدیم روح انسان که همچون باد و ابری که گاه باران به همراه می آورند و گاه آن را از خود می رانند، متحرك و متغیر است، شکل نمادی ازدها را به خود گرفته است، ازدها که همچون آبهای روان و نامتغیر قابل تسخیر نیست نماد بی نهایت هم محسوب می شود.

Photo © Zo Za-yong, Musée Emille, Séoul, Rép. de Corée

